هو المقتدر المختار

کتاب انزله المظلوم لمن شهد و رأی آیات ربّه الکبری و فاز بما کان مذکوراً فی کتب اللّه ربّ العالمین طوبی لمن عرف ما خلق له و نعیماً لمن تمسّک بحبل اللّه العلیم الحکیم قد حضر کتابک لدی المظلوم رأیناه و سمعنا ما فیه اجبناک بلوح به نادی المناد الملک للّه العزیز الحمید

یا افنانی علیک بهائی و عنایتی قد فاز ندائک باصغائی و کتابک بلحاظی انّ ربّک هو السّامع المجیب اذکر الأیّام الّتی کنت فیها قائماً امام وجه ربّک و قاعداً لدی عرشه العظیم انت الّذی سمعت النّدآء و اقبلت الی الأفق الأعلی و شربت رحیق العرفان من ید عطآء ربّک الکریم قد قدّر لک من قلم القدم ما لا یعادله العالم کذلک بشّرک المظلوم فی سجنه الأعظم لتشکر ربّک الغفور الرّحیم اذا فزت بلوحی و شربت رحیق الوحی من کؤوس کلماتی قل

الهی الهی لک الحمد بما قرّبتنی الیک و احضرتنی فی بساطک و شرّفتنی بلقائک و سقیتنی کوثر بیانک و عرّفتنی نبأک العظیم و صراطک المستقیم انا الّذی یا الهی کنت غافلاً علّمتنی ظهورات عنایتک و کنت راقداً ایقظتنی ید جودک و کنت بعیداً قرّبتنی شؤونات فضلک کیف اذکر یا الهی بدائع عنایتک و ما انزلت لی من سمآء مشیّتک و جبروت ارادتک قد احاطت بی آثار قلمک الأعلی و رحمتک الّتی سبقت الأشیآء بحیث جعلتنی من افنان سدرتک و نسبتنی الی نفسک وعزّتک لو یکون لی الف روح فی کلّ حین و افدی به فی سبیلک لا تعادل بقطرة من بحر عطائک و جذوة من نار شجرة امرک ای ربّ ایّدنی علی ذکرک و ثنائک و خدمة اصفیائک وعزّتک یا مولی الأسمآء و فاطر السّمآء احبّ ان تجعلنی فی کلّ الأحوال منجذباً بآیاتک و متنوّراً بنورک و متشبّثاً بأذیال ردآء کرمک و ناظراً الی افقک و اکون علی شأن لا یمنعنی ما فی العالم من القوّة و القدرة و السّطوة انّک انت المقتدر علی ما تشآء و فی قبضتک زمام الأشیآء اسألک یا مظهر البیّنات و منزل الآیات بکتابک المبین و ما فیه من اسرارک و عرفانک و بشموس المحبّة و الوداد الّتی اشرقت من آفاق افئدة المخلصین من عبادک ان تکتب لی ما یحفظنی عن الّذین نقضوا عهدک و کفروا ببرهانک و جادلوا بآیاتک و انکروا حقّک ای ربّ ترانی خاضعاً لوجهک و خاشعاً لأمرک قدّر لی خیر الآخرة و الأولی انّک انت مولی الوری و ربّ العرش العظیم و الکرسیّ الرّفیع

یا افنانی سبب تأخیر جواب انقلاب این ارض بوده از اوّل ایّام تا حین مظلوم دست اعدا بوده اگرچه قوّت و شوکت و اقتدار اهل عالم نفوذ کلمهٴ علیا و اقتدار قلم اعلی را منع ننموده و نخواهد نمود ولکن چون مظلومیّت نزد حقّ مقبول بوده و هست لذا محلّ تعدّیهای ظالمین و معتدین واقع و فی تبدیل السّجن بالجنّة العلیا لآیات للمتفرّسین و بیّنات للمتبصّرین آنچه در الواح از قلم اعلی جاری شده ظاهر گشته و میگردد از حقّ میطلبیم ترا مؤیّد فرماید بر آنچه رضای دوست در اوست بعضی از افنان علیهم بهآء الرّحمن طائف حولند و در ظلّ قباب عظمت ساکن و مستریح و بعد الأمر بیده یفعل ما یشآء و یحکم ما یرید و هو المقتدر القدیر

و اینکه در بارهٴ گرفتاری خلق و عدم شعورشان ذکر نمودید حقّ لا ریب فیه آنچه بر اهل ارض وارد شده و میشود از جزای اعمالست انسان و جمیع اشیاء متحیّر حزبی در قرون و اعصار یا قائم گفتند و بالأخره شهیدش نمودند یا افنانی یومی از ایّام در ارض طاء که مقرّ سلطنت ایران است مشی مینمودیم بغتةً از کلّ جهات حنین مرتفع بعد از توجّه نالهٴ منابری که در مدن و دیار آن اقلیم است اصغا شد و باین کلمات ذاکر الهی الهی خاتم رسل و سیّد کل رسول اللّه روح ما سواه فداه ما را از برای ذکر و ثنای تو ترتیب داده مقصود آنکه بر ما ذکر حقّ و ثنایش و ثنای اولیایش مرتفع گردد و حال معشر جهلا بر ما بسب و لعن حضرت مقصود مشغولند الهی الهی ما را نجات بخش و از انفس مشرکه حفظ نما در جواب این کلمهٴ علیا از لسان مالک اسماء نازل انّا قبلنا البلایا لاظهار الأمر و نصبر فیها انّه هو السّتّار یأمرکم بالسّتر الجلیل و هو الصّبّار یوصیکم بالصّبر الجمیل یا افنانی یک منبر از منابر ایران باقی نه مگر آنکه بر آن حقّ جلّ جلاله را سب نمودند و گفتند آنچه را که ذکرش ممنوع است اگر رحمت حقّ سبقت نگرفته بود کل هلاک میشدند دو امر سبب ابقا شده یکی عفو الهی و دیگر اعمال بعضی از نفوس که خود را بحقّ نسبت میدادند از حقّ میطلبیم نائمین را آگاه نماید و غافلین را بنور دانائی منوّر فرماید اوست مقتدر و توانا از مقصود عالمیان مسئلت مینمائیم آن جناب و منتسبین را موفّق فرماید بر آنچه که عرفش بدوام ملک و ملکوت باقی و پاینده است

ذکر جناب افنان الّذی سمّی بمحمّد قبل باقر از قلم اعلی جاری بذکری فائز شده که در کتاب الهی از قلم قدم ثبت گشته انّ ربّک هو الفضّال الکریم البهآء المشرق من افق سمآء عنایتی علیک و علی من معک و یحبّک لوجه اللّه ربّ العالمین جناب امین لازال ذکر شما و افنان را نموده مراسلاتی که به عبد حاضر ارسال داشته هر یک بذکر افنان مزیّن بوده حال بآن سمت توجّه نموده لذا او را ذکر مینمائیم بذکر بدیع لیجذبه و افنانی الی اللّه ربّ العالمین امروز عرف ظهور عالم را احاطه نموده لکن اکثری محرومند از حقّ میطلبیم اولیای خود را مؤیّد فرماید بر آنچه سزاوار یوم اللّه است باری امین در هر محل و مقام که هست ذکر مظلوم را باو برسانید لیفرح و یکون من الشّاکرین

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۶ مارس ۲۰۲٣، ساعت ۶:٠٠ بعد از ظهر